

## میزان اختلاف مصاحف امصار و علل آن\*

- محسن رجیبی قدسی<sup>۱</sup>
- سیدکاظم طباطبایی<sup>۲</sup>
- مرتضی ایروانی نجفی<sup>۳</sup>

### چکیده

در سده دوم و سوم قمری از هشت کتاب و رساله با موضوع اختلاف مصاحف امصار (عراق و شام و حجاز) یاد شده است. گرچه این کتاب‌ها به دست ما نرسیده، مطالب آن‌ها در منابع بعدی علم رسم‌المصحف و قرائات بازتاب یافته است. اختلاف رسم‌الخط مصاحف امصار به دو دسته تقسیم‌پذیر است: الف) تفاوت‌هایی که موجب اختلاف در قرائت نشده‌اند؛ مانند ثبت «ی» یا نبود آن در «ائتونی / ائتون»؛ ب) اختلاف‌هایی که باعث تفاوت در قرائت‌اند؛ شامل حذف یا زیادت یک حرف یا تبدیل یک حرف به حرفی دیگر. مجموع اختلافات دسته دوم به ۵۴ مورد می‌رسد. تا کنون درباره علت و زمان پیدایی و

\* تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۸/۱ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۱۲/۲۱.

۱. دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث دانشگاه فردوسی مشهد (rajabiqodsi@yahoo.com).
۲. استاد دانشگاه فردوسی مشهد (نویسنده مسئول) (tabatabaei@um.ac.ir).
۳. دانشیار دانشگاه فردوسی مشهد (iravany@um.ac.ir).

اثر آن در قرائات یا تأثیرپذیری آن از قرائات، دیدگاهی جامع بیان نشده است. اغلب علمای متقدم بر این باورند که عثمان خلیفه سوم (د ۳۵ ق.) دستور ثبت آنها را در مصاحف امام داده است ولی در روایات جمع قرآن در زمان عثمان چنین مطلبی وجود ندارد و از سویی، این کار با هدف او برای اتحاد امت اسلامی بر یک مصحف واحد در تضاد است.

**واژگان کلیدی:** رسم المصحف، تاریخ قرآن، قرائات سبع، قاریان سبعة، کتابت قرآن، اختلاف قرائت.

#### مقدمه

ابن ندیم (د ۳۸۰ ق.) در *الفهرست* هشت کتاب با موضوع اختلاف مصاحف امصار (حجاز: مدینه و مکه؛ عراق: کوفه و بصره؛ شام) را از سده دوم و سوم قمری گزارش کرده (۱۴۱۷: ۵۴ و ۸۷) که عبارت‌اند از:

۱. *اختلاف مصاحف الشام و الحجاز و العراق* تألیف ابن عامر (د ۱۱۸ ق.)؛
۲. *اختلاف مصاحف اهل المدینة و اهل الكوفة و اهل البصرة* از کسائی (د ۱۸۹ ق.)؛
۳. *اختلاف اهل الكوفة و البصرة و الشام فی المصحف* از فراء (د ۲۰۷ ق.)؛
۴. *اختلاف المصحف* از خلف بن هشام بزار بغدادی (د ۲۲۹ ق.)؛
۵. *اختلاف المصحف و جمیع القراءات* (ابن ندیم، ۱۴۱۷: ۶۲) / *جمع القرآن* از علی بن محمد مدائنی (د ۲۲۵ ق.)؛
۶. *اختلاف المصحف* از ابوحاتم سجستانی (د ۲۵۵ ق.)؛
۷. *اختلاف المصحف* از محمد بن عبدالرحمن اصفهانی (د ۲۸۸ ق.)؛
۸. *اختلاف المصحف* از ابن ابی داود سجستانی (د ۳۱۶ ق.) (ابن ندیم، ۱۴۱۷: ۵۵-۵۶ و ۸۲).

گرچه کتب فوق به دست ما نرسیده است، می‌توان مطالب آنها را در منابع بعدی علم رسم المصحف و قرائات بازیابی کرد؛ مثلاً کتاب *اختلاف اهل الكوفة و البصرة و الشام فی المصحف* نوشته فراء در دسترس نیست، ولی او در کتاب *معانی القرآن* پانزده مورد از اختلاف مصاحف را به دست داده است. ابن ابی داود نیز در کتاب *المصحف* (همان: ۲۸۴) اختلاف مصاحف امصار را آورده است که احتمالاً همان مطالب کتاب *اختلاف المصحف* او باشد. در این جستار می‌کوشیم با احصای موارد اختلاف

مصاحف امصار، علت، زمان پیدایی، کمیت و کیفیت این اختلاف و اثر آن در قرائات یا تأثیرپذیری آن از قرائات را واکاوی کنیم.

### منابع اختلاف مصاحف امصار

کهن‌ترین منابع موجود را که اختلاف مصاحف امصار را گزارش کرده‌اند، می‌توان به دو دسته تقسیم کرد:

دسته یکم) برخی منابع فقط به اختلاف‌هایی اشاره کرده‌اند که نشأت گرفته از مصحف / مصاحف امام در زمان عثمان است. این منابع عبارت‌اند از:

۱. فضائل القرآن تألیف ابو عبید قاسم بن سلام (د ۲۲۴ ق.)؛

۲. المصاحف ابن ابی داود (د ۳۱۶ ق.)؛

۳. السبعة فی القراءات از ابن مجاهد (د ۳۲۴ ق.)؛

۴. مقدمات علم القرآن از محمد بن بحر رهنی (سید ابن طاووس، ۱۳۶۹: ۵۴۴)؛

۵. البحر المحيط از ابو حیان اندلسی (د ۷۴۵ ق.) (۱: ۴۲۲، ۵۷۰/۱).

دسته دوم) منابعی که افزون بر اختلاف‌های پیش گفته، اختلاف‌های میان مصاحف امصار را تا زمان خود احصا کرده‌اند. این منابع عبارت‌اند از:

۱. مرسوم الخط از ابن انباری (د ۳۲۸ ق.)؛

۲. هجاء مصاحف الامصار از ابوالعباس احمد بن عمّار مهدوی (د پس از

۴۳۰ ق.)؛

۳. المقنع فی رسم / معرفة مرسوم مصاحف الامصار از ابو عمرو دانی (د ۴۴۴ ق.)؛

۴. مختصر التبیین لهجاء التنزیل از ابوداود سلیمان بن نجاح (د ۴۹۶ ق.).

### میزان اختلاف در مصاحف امصار

بر پایه منابع پیش گفته، اختلاف مصاحف امصار را که برآمده از مصاحف امام پنداشته شده است، می‌توان در دو جدول تنظیم کرد:

جدول شماره ۱) تفاوت‌هایی که موجب اختلاف در قرائت نشده‌اند

سوره / آیه	مصحف مدینه	مصحف مکه <sup>۱</sup>	مصحف شام	مصحف کوفه	مصحف بصره <sup>۲</sup>
۱ نساء / ۳۶	ذی القربی			ذی القربی / ذی القربی <sup>۳</sup>	ذی القربی
۲ اعراف / ۱۹۵	کیدونی			کیدون	
۳ یوسف / ۵۰	اثتون	اثتونی		اثتونی	
۴ یوسف / ۵۴	اثتون	اثتونی		اثتونی	
۵ کهف / ۷۷	لِتَّخَذَتْ	لِلَّتَّخَذَتْ		لِتَّخَذَتْ	
۶ زخرف / ۶۸	یعبادی	یعبادی <sup>۴</sup> / یعبادی		یعباد	

جدول شماره ۲) تفاوت‌هایی که موجب اختلاف در قرائت‌اند

سوره / آیه	مصحف مدینه	مصحف مکه	مصحف شام	مصحف کوفه	مصحف بصره
۱ بقره / ۱۱۶	وَقَالُوا اتَّخَذَ اللَّهُ وَلَدًا / قَالُوا	وَقَالُوا	قَالُوا	وَقَالُوا	
۲ بقره / ۱۳۲	وَأَوْصَىٰ بِهَا إِبْرَاهِيمَ	وَوَصَّىٰ	وَأَوْصَىٰ	وَوَصَّىٰ	
۳ آل عمران / ۱۳۳	سارعوا إلى مغفرة			وسارعوا	
۴ آل عمران / ۱۸۴	جاءوا بالبينت والزبر والكتب المنير <sup>۵</sup> / جاءوا	جاءوا بالبينت والزبر والكتب	جاءوا بالبينت وبالزبر وبالكتب	جاءوا بالبينت والزبر والكتب	

۱. مواردی که مصحف مکه با مدینه و مصحف مکه و شام با مدینه یکسان است، در جدول ثبت نشده است.
۲. مواردی که مصحف بصره با کوفه یکسان است در جدول ثبت نشده است.
۳. ابوعمرو دانی گفته است: در مصحف کوفه کتابت با «الف» یعنی «ذا» را ندیده‌ام و کسی با «الف» آن را نمی‌خواند (۱۹۷۸: ۱۰۷).
۴. ابوعمرو دانی بر پایه قرائت اهل مکه شایسته می‌داند که در مصحف آنان بدون «ی» باشد؛ زیرا نصی از مصاحفشان در اختیار نیست، جز روایت ابن مجاهد که بدون «ی» گزارش کرده است (همان: ۱۱۱).
۵. در این موارد که دو گزارش وجود دارد، اگر یکی از معیارهای ارزیابی را هماهنگی رسم‌الخط با قرائت رایج در آن شهر بدانیم، از آنجا که ابن عامر آن را بدون «واو» قرائت کرده است و دیگر قاریان سبع آن را با «واو» خوانده‌اند (ابن مجاهد، ۱۴۰۰: ۱۶۹) همین گزارش از مصحف مدینه درست است (ابوداود، ۱۴۲۳: ۲۰۲/۲).
۶. ابن عامر آن را «بالزبر» مطابق مصحف اهل شام قرائت کرده و دیگر قراء سبعة «والزبر» بدون «باء» خوانده‌اند (ابن مجاهد، ۱۴۰۰: ۲۲۱). بنابراین در مصحف مدینه نیز بدون «باء» کتابت شده است.

		المنیر / جاءوا بالبیئت وبالزیر والکتاب <sup>۲</sup>	المنیر	بالبیئت وبالزیر		
۵	نساء / ۶۶	إلا قلیلاً		ما فعلوه إلا قلیل منهم		
۶	نساء / ۱۷۱	وَرُشِلَه	ورسوله <sup>۳</sup>	فَامَنُوا بِاللَّهِ وَرُشِلَه		
۷	مائده / ۵۳	ویقول		یقول الذین آمنوا		
۸	مائده / ۵۴	یرتدّ		من یرتدد منکم		
۹	انعام / ۳۲	وَلَدَار	وَلَدَارِ	وَلَدَارِ الْآخِرَةِ خیر		
۱۰	انعام / ۶۳	أُنجِنَا		لئن أُنجینَا		
۱۱	انعام / ۱۳۷	شُرکائهم <sup>۵</sup>	شُرکائهم	قتل أولادهم شرکائهم <sup>۴</sup> شُرکائهم		
۱۲	اعراف / ۳	تذکرون <sup>۷</sup>	تذکرون	قلیلاً ما تذکرون <sup>۶</sup> یتذکرون		

۱. از ابوحاتم سجستانی منقول است که در مصحف اهل حمص که عثمان به شام فرستاد، هر دو یعنی «زیر» و «کتاب» با «ب» رسم شده بودند (ابوعمر و دانی، ۱۹۷۸: ۱۰۶). نیز در روایت هشام بن عمار سلمی (د ۲۴۳ ق.)، راوی قرائت ابن عامر، هر دو با «ب» آمده است (مهودی، ۱۴۲۸: ۹۷).
۲. مهودی آن را فقط خاص مصاحف اهل شام دانسته است (۱۴۲۸: ۹۷). ابن ابی داود به نقل از ابوالبرهسم آورده است که در امام اهل شام: «جاءوا بالبیئات وبالزیر» ثبت بوده است (۱۴۰۵: ۵۴). هارون بن موسی اخفش دمشقی گفته است که «ب» تنها به «وبالزیر» و فقط به امامی که به شام فرستاده شد افزوده گردید. کسانی نیز همین سخن را از ابوحویه شریح بن یزید روایت کرده است. با این حال، ابوعمر و دانی روایت ابن عامر و ابودرداء از مصاحف شام را از نظر سندی والاتر از گزارش‌های دیگر می‌داند (۱۹۷۸: ۱۰۶).
۳. در کتب قرائت هیچ اختلافی در این عبارت ثبت نشده است. به نظر می‌رسد در مصحف مکه ضمه دوم (مصوت کوتاه /و/ را با حرف «و») نشان داده‌اند. پس این ردیف جزء اختلافات دسته دوم مصاحف نیست.
۴. ابن عامر «وکنذک زین لکنیر من المشرکین قتل اولدهم شرکائهم» خوانده و دیگر قاریان هفت گانه «وکنذک زین لکنیر من المشرکین قتل اولدهم شرکائهم» خوانده‌اند (ابن مجاهد، ۱۴۰۰: ۲۷۰). از این رو، همین گزارش از مصحف مدینه درست است.
۵. فراء گوید: در بعضی مصاحف اهل شام «شرکائهم» بوده است (بی تا: ۳۵۷/۱).
۶. ابن کثیر، نافع، ابوعمر و عاصم در روایت ابویکر: «قلیلاً ما تذکرون»؛ حمزه، کسانی و عاصم در روایت حفص: «قلیلاً ما تذکرون» قرائت کرده‌اند (همان: ۲۷۸/۱). بنابراین، همین روایت از مصحف مدینه صحیح است.
۷. ابن ابی داود به نقل از ابوالبرهسم این آیه را در امام اهل شام «یتذکرون» گزارش کرده است (ابن ابی داود، ۱۴۰۵: ۵۵). ابوعمر و دانی نیز طبق سماع از شیوخ «یتذکرون» را فقط خاص مصاحف اهل شام دانسته است (۱۹۷۸: ۱۰۷؛ نیز ر.ک: همان: ۱۱۵؛ مهودی، ۱۴۲۸: ۹۸). ابن عامر «قلیلاً ما یتذکرون» قرائت کرده و روایت شده که او «تذکرون» نیز خوانده است (ابن مجاهد، ۱۴۰۰: ۲۷۸).

۱۳	اعراف / ۴۳	وما کنا لنهتدی لولا <sup>۱</sup> / ما	وما	ما	وما
۱۴	اعراف / ۷۵	قال الملا الذین <sup>۲</sup> / وقال	قال	قال <sup>۳</sup> / وقال	قال
۱۵	اعراف / ۸۸	قال الملا الذین		وقال <sup>۴</sup>	قال
۱۶	اعراف / ۱۴۱	وإذ أنجینکم <sup>۵</sup> / أنجاکم	أنجینکم	أنجاکم	أنجینکم
۱۷	انفال / ۶۷			ما کان للنبی <sup>۶</sup>	ما کان لنبی <sup>۷</sup>
۱۸	توبه / ۱۰۰	تجرى تحتها الأنهر	تجرى من تحتها الأنهر <sup>۷</sup>	تجرى تحتها الأنهر	تجرى تحتها الأنهر
۱۹	توبه / ۱۰۷	الذین اتَّخذوا مسجداً			والذین
۲۰	یونس / ۲۲	هو الذی یُسیرکم		یُسیرکم <sup>۸</sup>	یُسیرکم
۲۱	یونس / ۶۸	قالوا اتَّخذوا الله وکذا		وقالوا (مصحف حمص)	قالوا

۱. ابن عامر مطابق مصاحف اهل شام بدون «واو» قرائت کرده است و دیگر قاریان هفت گانه با «واو» خوانده‌اند (همان: ۲۸۰). بنابراین، همین گزارش از مصحف مدینه درست است.
۲. ابن عامر مطابق مصاحف شام با «واو» خوانده است و دیگر قاریان هفت گانه بدون «واو» قرائت کرده‌اند (همان: ۲۸۴). از این رو، همین روایت از مصحف مدینه صحیح است.
۳. ابوعبید آن را به نقل از ابودرداء بدون «واو» گزارش کرده است (بی تا: ۳۳۱) ولی ابن مجاهد (۱۴۰۰: ۲۸۴)، ابن ابی داود (۱۴۰۵: ۵۵)، مهدوی (۱۴۲۸: ۹۹) و ابوعمر و دانی (۱۹۷۸: ۱۰۷ و ۱۱۵) با «واو» آورده‌اند.
۴. از آنجا که در این مورد اختلاف قرائتی روایت نشده است، به نظر می‌رسد در دو مورد اخیر گزارش ابوعبید جابه‌جا نقل و ثبت شده است (بی تا: ۳۳۱). از این رو، این ردیف نیز جزء اختلاف مصاحف نیست.
۵. ابن عامر «وإذ أنجاکم» خوانده و دیگر قراء سبعة «وإذ أنجینکم» قرائت کرده‌اند (ابن مجاهد، ۱۴۰۰: ۲۹۳)؛ پس این گزارش از مصحف مدینه درست است. مهدوی نیز «أنجاکم» را خاص مصاحف اهل شام می‌داند (۱۴۲۸: ۹۹).
۶. محمد بن بحر رهنی در مقدمات علم القرآن (سید ابن طاووس، ۱۳۶۹: ۶۲۳) و ابوعمر و دانی (۱۹۷۸: ۱۱۷) به نقل از ابوحاتم آن را خاص مصحف حمص آورده است.
۷. ابن کثیر و اهل مکه مطابق مصحفشان «تجرى من تحتها» و دیگر قاریان هفت گانه «تجرى تحتها الأنهار» خوانده‌اند (ابن مجاهد، ۱۴۰۰: ۳۱۷).
۸. ابن عامر، قاری دمشق، آن را «ینشركم» قرائت کرده است و دیگر قاریان سبعة «یسیرکم» خوانده‌اند (همان: ۳۲۵). اگر این گزارش از مصاحف در زمان عثمان استنساخ شده باشد، با توجه به نقطه‌گذاری نشدن مصاحف در آن زمان «یسیرکم» و «ینشركم» هر دو یکسان بوده است. پس این ردیف نیز جزء اختلاف مصاحف نیست.

۲۲	یونس / ۹۶	کلمت رَبِّكَ <sup>۱</sup>		کلمة / کلمت <sup>۳</sup>	
۲۳	اسراء / ۹۳	قل سبحان رَبِّي / قال <sup>۴</sup>	قال	قل / قال <sup>۶</sup>	
۲۴	كهف / ۳۶	لأَجْدَنَ خَيْرًا مِنْهُمَا		منها	
۲۵	كهف / ۹۵	ما مَكْنِي فِيهِ رَبِّي / مَكْنِي <sup>۷</sup>	مَكْنِي	مَكْنِي / مَكْنِي <sup>۸</sup>	مَكْنِي
۲۶	انبیاء / ۴	قل رَبِّي		قال <sup>۹</sup>	قل
۲۷	انبیاء / ۳۰	أولم ير الذين	ألم	أولم	
۲۸	انبیاء / ۱۱۲			قال رَبِّي <sup>۱۰</sup>	قل
۲۹	مؤمنون / ۸۷	سيقولون لله		الله	الله

۱. ابوعمرو دانی در مصاحف اهل عراق «کلمه» و در مصاحف اهل مدینه «کلمت» دیده است (۱۹۷۸: ۸۴ و ۱۱۵).
۲. ابوعبید به نقل از ابودرداء آن را در مصاحف اهل شام «کلمت / کلمات» (جمع) روایت کرده است (بی تا: ۳۳۱؛ ابوعمرو دانی، ۱۹۷۸: ۱۱۵). ابن عامر و نافع آن را جمع قرائت کرده و دیگر قاریان سبعة مفرد خوانده‌اند (ابن مجاهد، ۱۴۰۰: ۳۲۶ و ۵۶۷).
۳. نافع در مصاحف اهل عراق «کلمة» دیده (ابوداود، ۱۴۲۸: ۲۷۷/۲؛ نیز ر. ک: ابن انباری، ۲۰۱۰: ۱۵۴؛ ابوعمرو دانی، ۱۹۷۸: ۸۴) ولی ابن مهران نیشابوری بدون اشاره به مصحفی خاص «کلمت» گزارش کرده است (۱۳۸۰: ۷). ابوداود گفته که در مصاحف مدینه با «ت» آمده است و در دیگر مصاحف، مختلف است (۱۴۲۸: ۲۷۴/۲؛ ۵۱۱/۳ و ۶۵۷).
۴. رهنی آن را با عبارت تردیدآمیز «وزعم آخرون أنّ فی مصحف أهل المدينة... وفی بنی اسرائیل: "قال سبحان ربّي"» آورده است (سید ابن طاووس، ۱۳۶۹: ۵۴۶).
۵. قرائت ابن کثیر و ابن عامر: «قال سبحن ربی». مطابق مصاحف اهل مکه و شام است (ابن مجاهد، ۱۴۰۰: ۳۸۵). مهدوی نیز «قال» را خاص مصاحف مکه و شام می‌داند (۱۴۲۸: ۹۹).
۶. قرائت نافع، عاصم، حمزه، کسائی و ابوعمرو «قل» است (همان: ۳۸۵). پس در مصاحف مدینه، کوفه و بصره نیز «قل» ثبت بوده است.
۷. رهنی با عبارتی تردیدآمیز آورده است: «وزعم آخرون أنّ فی مصحف أهل المدينة... وفی الکهف: "ما مَكْنِي فِيهِ" بنونین، وعند البصريين بنون واحد» (سید ابن طاووس، ۱۳۶۹: ۵۴۶).
۸. گرچه ابن ابی داود به نقل از مبشر بن عبید آن را در امام اهل عراق «ما مَكْنِي» روایت کرده، تصریح نموده است که این سخن را جز از مبشر بن عبید نشنیده است (۱۴۰۵: ۵۵). ابن کثیر مطابق مصاحف اهل مکه «ما مَكْنِي» قرائت کرده است و شش قاری دیگر «ما مَكْنِي» را مدغم خوانده‌اند (ابن مجاهد، ۱۴۰۰: ۴۰۰). پس روایت نخست از مصحف کوفه درست است. مهدوی (۱۴۲۸: ۱۰۰) و ابوداود (۱۴۲۳: ۸۲۱/۳) نیز «مَكْنِي» را خاص مصاحف مکه می‌دانند.
۹. ابن کثیر، نافع، ابوعمرو، ابن عامر و عاصم در روایت ابوبکر: «قل رَبِّي يَعْلَمُ»؛ و حمزه، کسائی و حفص از عاصم مطابق مصاحف اهل کوفه- «قال رَبِّي» خوانده‌اند (ابن مجاهد، ۱۴۰۰: ۴۲۸).
۱۰. حفص از عاصم «قال» و دیگر قاریان سبعة «قل» خوانده‌اند (همان: ۴۳۱-۴۳۲).

۳۰	مؤمنون / ۸۹	سَيَقُولُونَ لِلّٰهِ			اللّٰهُ	اللّٰهُ
۳۱	مؤمنون / ۱۱۲	قَالَ كَمْ لَبِثْتُمْ	قَالَ	قَالَ	قَالَ	قَالَ
۳۲	مؤمنون / ۱۱۴	قَالَ اِنْ لَبِثْتُمْ			قَالَ	قَالَ
۳۳	فرقان / ۲۵	وَنَزَّلَ الْمَلٰٓئِكَةَ	وَنَزَّلَ	وَنَزَّلَ	وَنَزَّلَ	وَنَزَّلَ
۳۴	شعراء / ۲۱۷	فَتَوَكَّلْ عَلَى الْعَزِيزِ الرَّحِيمِ				وَتَوَكَّلْ
۳۵	نمل / ۲۱	اَوْ لِيَاۤتِيَنَّكَ بِسُلْطٰنٍ مُّبِينٍ	اَوْ لِيَاۤتِيَنَّكَ	اَوْ لِيَاۤتِيَنَّكَ	اَوْ لِيَاۤتِيَنَّكَ	اَوْ لِيَاۤتِيَنَّكَ
۳۶	قصص / ۳۷	وَقَالَ مُوسٰى	وَقَالَ	وَقَالَ	وَقَالَ	وَقَالَ
۳۷	فاطر (ملانکه) / ۵۳۳	لَوْلَاۤٓءَا	لَوْلَاۤٓءَا	لَوْلَاۤٓءَا	لَوْلَاۤٓءَا	لَوْلَاۤٓءَا

۱. ابوعمرو دانی بر پایه قرائت اهل مکّه شایسته می‌داند که در مصاحف اهل مکّه بی «الف» باشد (۱۹۷۸: ۱۰۹).
۲. ابوعمید (ر.ک: همان) و ابوداود (۱۴۲۳: ۸۹۸/۴) هر دو مورد (آیات ۱۱۲ و ۱۱۴) را با اثبات «الف» گزارش کرده‌اند. مهدوی نیز «قل» را خاص مصاحف کوفه می‌داند (۱۴۲۸: ۱۰۰).
۳. ابن کثیر، حمزه و کسائی «قل»، نافع، ابوعمرو، عاصم و ابن عامر «قال» قرائت کرده‌اند (مهدوی، ۱۴۲۸: ۴۴۹).
۴. حمزه، کسائی و ابن کثیر (در روایت قبل از نبال از اصحابش) «قل إن لبثتم»، و ابن کثیر به روایت بزی، نافع، ابوعمرو، عاصم و ابن عامر «قال إن لبثتم» قرائت کرده‌اند (ابن مجاهد، ۱۴۰۹: ۴۴۹).
۵. فقط ابن ابی داود سجستانی این مورد را در شمار اختلاف مصاحف امصار برگرفته از مصحف امام آورده است (۱۴۰۵: ۵۰، ۵۳ و ۵۷).
۶. علی بن حمزه کسائی (ابن ابی داود، ۱۴۰۵: ۵۰ و ۵۷)، بشّار بن ایوب از اسید بن یزید (همان: ۱۱۶)، اسید از عرج و قالون از نافع آن را با «الف» گزارش کرده‌اند (ابوعمرو دانی، ۱۹۷۸: ۴۷). سواده بن زیاد بُرحی نیز آورده است که قرائت اهل مدینه «من ذهب و لؤلؤا» بوده است (ابن ابی داود، ۱۴۰۵: ۵۳؛ نیز ر.ک: فراء، بی تا: ۲/۲۲۰؛ سید ابن طاووس، ۱۳۶۹: ۵۴۶).
۷. سخاوی در مصحفی عتیق در شام آن را با «الف» دیده است (۱۴۲۷: ۲۳۲).
۸. طبق گفته علی بن حمزه کسائی در مصاحف کوفه «الف» ثبت می‌شود (ابن ابی داود، ۱۴۰۵: ۵۰ و ۵۷).
۹. فراء گوید: در مصاحف ما [کوفه/ بغداد] بدون «الف» است (بی تا: ۲/۲۲۰). نصیر بن یوسف در همه مصاحف آن را بدون «الف» گزارش کرده است (ابن ابی داود، ۱۴۰۵: ۱۲۴). ابن مهران نیشابوری بدون مشخص کردن مصحفی- گفته است که باید بدون «الف» نوشت (۱۳۸۰: ۱۹).
۱۰. سواده بن زیاد بُرحی آورده است که قرائت اهل عراق «من ذهب و لؤلؤ» بوده است (ابن ابی داود، ۱۴۰۵: ۵۳). علی بن حمزه کسائی (همان: ۵۰ و ۵۷)، ابوحفص خِرّاز (ابوداود، ۱۴۲۳: ۸۷۳/۴) و محمد بن عبدالله اصفهانی با اسنادش از محمد بن عیسی اصفهانی آورده‌اند که در مصاحف بصره بدون «الف» بوده است (ابوعمرو دانی، ۱۹۷۸: ۴۷-۴۸). ابن کثیر، ابوعمرو، ابن عامر، حمزه، کسائی و مفصل از عاصم «لؤلؤا»، نافع و حفص از عاصم «لؤلؤا» و یحیی از ابوبکر از عاصم «لؤلؤا» قرائت کرده‌اند (ابن مجاهد، ۱۴۰۰: ۴۳۵ و ۵۳۴-۵۳۵).



۳۸	یس / ۳۵	وما عملته أیدیهم			وما عملت <sup>۱</sup>	وما عملته
۳۹	زمر / ۶۴	أفغیر الله تأمرونی أعبد / تأمرونی <sup>۲</sup>		تأمرونی / تأمرونی <sup>۳</sup>	تأمرونی	
۴۰	مؤمن / ۲۱	كانوا هم أشد منكم <sup>۴</sup> / منكم	منهم	منكم	منهم	
۴۱	مؤمن / ۲۶	وَأَنْ يُظْهَرَ فِي الْأَرْضِ		أَوْ أَنْ	أَوْ أَنْ	أَوْ أَنْ / وَأَنْ <sup>۵</sup>
۴۲	شوری / ۳۰	بما كسبت أیدیكم			فیما	
۴۳	زخرف / ۷۱	تشتهیه الأنفس			تشتهی <sup>۶</sup>	
۴۴	احقاف / ۱۵	بوالديه حسناً			إحساناً	حسناً <sup>۷</sup> / إحساناً <sup>۸</sup>
۴۵	محمد / ۱۸	فهل ينظرون إلا الساعة	إن تأتهم <sup>۹</sup>	أن تأتهم	أن تأتهم	

۱. ابن کثیر، نافع، ابوعمر، ابن عامر و حفص از عاصم «وما عملته» و عاصم در روایت ابوبکر، حمزه و کسائی «وما عملت» قرائت کرده‌اند (همان: ۵۴۰).
۲. سخاوی، ۱۴۲۷: ۲۰۰.
۳. ابن عامر «تأمرونی» و هشام از ابن عامر «تأمرونی» خوانده‌اند. ابن ذکوان گوید: در کتابم از ایوب و در حافظه‌ام «تأمرونی» است. نافع «تأمرونی» و ابن کثیر «تأمرونی» و دیگر قاریان سبعة «تأمرونی» قرائت کرده‌اند (همان: ۵۶۳).
۴. ابن عامر مطابق مصاحف شام «كانوا هم أشد منكم قوّة» قرائت کرده است و دیگر قاریان هفت گانه مطابق مصاحفشان «أشد منكم قوّة» خوانده‌اند (همان: ۵۶۹). بنابراین همین گزارش از مصحف مدینه صحیح است.
۵. عاصم و حمزه و کسائی «أَوْ أَنْ يُظْهَرَ» و دیگر قراء سبعة «وَأَنْ يُظْهَرَ» خوانده‌اند (ابن زنجله، ۱۴۰۲: ۶۲۹). قراء گوید: در مصاحف عراق «أَوْ أَنْ» بوده است (بی تا: ۷/۳). ولی ابوعمر و دانی آن را خاص مصاحف کوفه گزارش کرده است (۱۹۷۸: ۱۱۰). ابوعبید «وَأَنْ» را مختص مصاحف شام روایت کرده است (بی تا: ۳۳۲). سخاوی (د ۶۴۳ ق.) در مصحفی عتیق در شام «وَأَنْ» دیده است (۱۴۲۷: ۲۰۳).
۶. نافع، ابن عامر و حفص از عاصم «تشتهیه» و ابن کثیر، ابوعمر، حمزه، کسائی و عاصم در روایت ابوبکر «تشتهی» خوانده‌اند (ابن مجاهد، ۱۴۰۰: ۵۸۸).
۷. ابن کثیر، نافع، ابوعمر و ابن عامر «حسناً» و عاصم، حمزه و کسائی «إحساناً» خوانده‌اند (همان: ۵۹۶).
۸. گزارش ابن ابی داود از علی بن حمزة کسائی مبهم است: «وفی الأحقاف، أهل الكوفة "إحساناً"، وأهل البصرة كذلك فی مصاحفهم، وأهل المدينة وأهل البصرة "حسناً" بغیر ألف» (۱۴۰۵: ۵۸).
۹. ابوعمر و دانی به نقل از کسائی آورده است که این رسم مخصوص مصاحف اهل مکه است (ابوعمر دانی، ۱۹۷۸: ۱۱۱) ولی خلف بن هشام گفته است که احدی از اهل مکه را نمی شناسم که این گونه خوانده باشد. مهدوی نیز آن را برای مصاحف مکه آورده ولی تصریح کرده است که درباره آن اختلاف است (۱۴۲۸: ۱۰۱).

				أن تأتيهم بغتة		
۴۶	الرحمن / ۱۲	والحبّ ذو العصف / ذا العصف	ذو العصف	ذو العصف <sup>۴</sup>	ذو العصف	إن تأتيهم <sup>۱</sup>
۴۷	الرحمن / ۷۸	ذی الجلل والإکرام / ذو الجلل	ذی الجلل	ذی الجلل	ذی الجلل	أن تأتيهم <sup>۲</sup>
۴۸	حدید / ۱۰	وكلّا وعد الله الحسنی / <sup>۶</sup> وكلّ	وكلّا	وكلّ	وكلّا	
۴۹	حدید / ۲۴	فإنّ الله الغنی الحمید			فإنّ الله هو الغنی الحمید	
۵۰	جن / ۲۰	قل إنّما أدعوا			قل	قال <sup>۷</sup>

۱. ابوعمرو دانی به نقل از خلف بن هشام (د ۲۲۹ ق.) «إن تأتيهم» را ویژه مصاحف کوفه و مکه روایت کرده است (همان: نیز ر. ک: ابوداود، ۱۴۲۸: ۱۱۲۴/۴). ولی قرآء گوید: در بعضی مصاحف کوفیان «تأتيهم» با یک «سینه» (دندانه) کتابت شده است اما کسی آن را مطابق رسم الخط نخوانده است (بی تا: ۶۱/۳). مهدوی نیز آن را ویژه بعضی مصاحف کوفه می داند (۱۴۲۸: ۱۰۲). ابن ابی داود (د ۳۱۶ ق.) نیز گفته است: نشنیده‌ام کسی از اهل کوفه این گونه قرائت کرده باشد (۱۴۰۵: ۵۰). همو این سخن را از کسائی و خلف بن هشام نیز روایت کرده است (همان: ۵۸). بنابراین چون در منابع اصلی قرائت، به اختلافی در این آیه اشاره نشده است، این مورد را نمی توان جزء اختلافات دسته دوم مصاحف دانست. ابن انباری (د ۳۲۷ ق.) این اختلاف را در ذیل آیه ۶۶ سوره زخرف آورده است (۱۴۲۹: ۸۲).
۲. ابوجعفر رؤاسی گوید: به ابوعمرو بن علاء بصری گفتیم: «أن تأتيهم» مفتوح است؟ گفت: پناه بر خدا! «إن تأتيهم» درست است. قرآء گوید: گمان می کنم ابوعمرو این قرائت را از اهل مکه شنیده باشد؛ زیرا او قرآن را بر آنان نیز خوانده است (بی تا: ۶۱/۳).
۳. ابن عامر مطابق مصاحف شام «ذا» خوانده (مهدوی، ۱۴۲۸: ۱۰۲) و دیگر قاریان سبعه «والحبّ ذو العصف» خوانده‌اند (ابن مجاهد، ۱۴۰۰: ۶۱۹). از این رو، همین روایت صحیح است.
۴. قرآء گوید: ما قرائت با «الف» را از کسی نشنیده‌ایم (بی تا: ۱۱۴/۳).
۵. ابن عامر مطابق مصاحف شام «ذو» خوانده است و دیگر قرآء سبعه مطابق مصاحف اهل حجاز و عراق «ذی الجلل» قرائت کرده‌اند (همان: ۶۲۱). پس همین گزارش درست است.
۶. ابن عامر مطابق مصاحف اهل شام «وكلّ» قرائت کرده است و دیگر قاریان هفت گانه «وكلّا» خوانده‌اند (همان: ۶۲۵). بنابراین همین گزارش درست است.
۷. رهنی آورده: «وزعم آخرون أنّ فی مصحف أهل المدينة... «قُلْ إنّما أدعوا ربّی» بنقصان ألف وعند البصرین: «قال إنّما أدعوا ربّی» (سید ابن طاووس، ۱۳۶۹: ۵۴۶) و ابن ابی داود بدون تعیین مصحفی گفته است: «اختلفوا کلّهم فیها: «قال إنّما أدعوا ربّی؛ يقولون: «قال» و «قل»» (۱۴۰۵: ۵۰ و ۵۸؛ نیز ر. ک: ابن انباری، ۱۴۲۹: ۱۰۰). عاصم و حمزه «قل إنّما»؛ ابن کثیر، نافع، ابوعمرو، ابن عامر و کسائی: «قال إنّما» خوانده‌اند. ابوالریع از ابوزید از ابوعمرو: «قل إنّما» روایت کرده است (ابن مجاهد، ۱۴۰۰: ۶۵۷). چون در موارد بسیار، «قال» مانند «قل» کتابت می شده، این مورد نیز بیانگر اختلاف قرائت است نه اختلاف مصاحف.

۵۱	مَدَثَر / ۳۳	وَأَلِيل إِذْ أَدْبِر	إِذَا أَدْبِرْ	إِذْ أَدْبِر
۵۲	انسان / ۱۵ <sup>۲</sup>	قواریرا / قواریر		قواریرا <sup>۳</sup> / قواریر <sup>۴</sup>
۵۳	انسان / ۱۶	قواریرا / قواریر		قواریرا <sup>۵</sup> /

۱. رهنی (ر.ک: سید ابن طاووس، ۱۳۶۹: ۵۵۰) و ابوعمرو دانی (۱۹۷۸: ۱۱۷) به نقل از ابوحاتم سجستانی آن را ویژه مصحف حمص گزارش کرده‌اند. با این حال، هیچ یک از قاریان سبعه آن را «إِذَا أَدْبِر» نخوانده‌اند. ابن کثیر، ابوعمرو، ابن عامر، کسائی و ابوبکر از عاصم «إِذَا دَبَّر»، و نافع، حفص از عاصم و حمزه: «إِذْ أَدْبِر» (به سکون دال) قرائت کرده‌اند (ابن مجاهد، ۱۴۰۰: ۶۵۹). البته «إِذَا أَدْبِر» در قرائت ابن مسعود، ابی بن کعب و برخی دیگر از تابعان گزارش شده است (عمر - مکرّم، ۱۴۱۲: ۲۴۰/۵).

۲. فقط ابن ابی داود سجستانی این ردیف و ردیف بعدی را در شمار اختلاف مصاحف امصار برگرفته از مصحف امام آورده است (۱۴۰۵: ۵۰ و ۵۸-۵۷).

۳. نصیر بن یوسف (ر.ک: ابن ابی داود، ۱۴۰۵: ۱۲۷) و خلف گفته‌اند که در همه مصاحف قدیم و جدید «الف» ثبت بوده است (ابن انباری، ۲۰۱۰: ۱۸۹). محمد بن یحیی قُطعی از ایوب بن متوکل نیز روایت کرده که در مصاحف کوفه و مصحف‌های عتیق بصره و مصاحف مدینه و مکه «الف» کتابت می‌شده است (ابوعمرو دانی، ۱۹۷۸: ۴۶-۴۵). علی بن حمزه کسائی (ر.ک: ابن ابی داود، ۱۴۰۵: ۵۰ و ۵۸) و فُزّاء (بی‌تا: ۲۱۴/۳) گفته‌اند که در مصاحف کوفه، بصره و مدینه «الف» کتابت می‌شود. ابوعبید قاسم بن سلّام نیز گوید: در مصاحف کوفه و بصره و حجاز با «الف» بوده است (ابوعمرو دانی، ۱۹۷۸: ۴۵؛ مهدوی، ۱۴۲۸: ۶۳). سواده بن زیاد بُرحی آورده است که قرائت اهل مدینه «کانت قواریرا» بوده است (ابن ابی داود، ۱۴۰۵: ۵۴). سخاوی نیز در مصحفی عتیق در شام آن را با «الف» دیده است (۱۴۲۷: ۲۳۲).

۴. یحیی بن آدم (د ۲۰۳ ق.) از [عبدالله] بن ادريس (د ۱۹۲ ق.) گزارش کرده که در مصاحف نخستین بدون «الف» بوده است (ابن انباری، ۲۰۱۰: ۱۹۱؛ ابوعمرو دانی، ۱۹۷۸: ۴۶). مهدوی نیز از ابن ادريس نقل کرده که در جمیع مصاحف بدون «الف» بوده است (۱۴۲۸: ۶۴). سواده بن زیاد بُرحی آورده است که قرائت اهل عراق «کانت قواریر» بوده است (ابن ابی داود، ۱۴۰۵: ۵۴). حمزه «قواریر»، ابوبکر از عاصم، ابن کثیر، نافع و کسائی «قواریرا» و حفص از عاصم، ابن عامر و ابوعمرو بن علاء «قواریرا» قرائت کرده‌اند (ابن مجاهد، ۱۴۰۰: ۶۶۳-۶۶۴).

۵. نصیر بن یوسف گوید: در همه مصاحف امصار با «الف» ثبت بوده است (ابن ابی داود، ۱۴۰۵: ۱۲۷). طبق گفته ابوعبید قاسم بن سلّام در مصاحف حجاز و کوفه «الف» کتابت شده است (مهدوی، ۱۴۲۸: ۶۳). علی بن حمزه کسائی (ابن ابی داود، ۱۴۰۵: ۵۰ و ۵۸)، فُزّاء (بی‌تا: ۲۱۴/۳)، خلف (ابن انباری، ۲۰۱۰: ۱۸۹؛ ابوعمرو دانی، ۱۹۷۸: ۴۶-۴۵؛ مهدوی، ۱۴۲۸: ۶۴) و ابن انباری (۱۴۲۹: ۱۰۱) گفته‌اند که در مصاحف مدینه و کوفه «الف» رسم می‌شده است. سواده بن زیاد بُرحی آورده است که قرائت اهل مدینه «کانت قواریرا» بوده است (ابن ابی داود، ۱۴۰۵: ۵۴؛ نیز ر.ک: سید ابن طاووس، ۱۳۶۹: ۵۴۸).

قواریر <sup>۲</sup>	قواریر <sup>۱</sup>	قواریر <sup>۳</sup>	قواریر <sup>۴</sup>	قواریر <sup>۵</sup>	قواریر <sup>۶</sup>	قواریر <sup>۷</sup>
	ولا یخاف	فلا / ولا یخاف <sup>۳</sup>		فلا یخاف عقبها	شمس / ۱۵	۵۴

بر اساس داده‌های جداول شماره ۱ و ۲:

- اختلاف رسم الخط مصاحف امصار ۶۰ مورد است که شش مورد آن باعث اختلاف قرائت نمی‌گردد. ۵۴ مورد دیگر نیز گرچه موجب تفاوت در قرائت شده‌اند، از نظر مفهوم، این اختلاف از نوع تضاد و تناقض نیست بلکه از قبیل تنوع و تغایر در تعبیر است، به طوری که قرائات مختلف در هر موضع به یک معنا باز می‌گردند.

- مصاحف مکه در ۸ موضع با مصاحف مدینه، مصاحف بصره در ۱۳ مورد با مصاحف کوفه، مصاحف مدینه در ۲۲ موضع با مصاحف کوفه، و مصاحف شام در ۳۷ مورد با مصاحف کوفه تفاوت دارند. بنابراین کمترین اختلاف میان مصاحف مکه و مدینه در ۸ موضع، و بیشترین اختلاف میان مصاحف کوفه و شام با ۳۷ مورد است (قس: جفری، ۱۹۵۴: ۱۱۷).

- ردیف‌های ۲۰، ۲۲، ۲۳، ۲۶، ۲۸، ۳۱، ۳۲ و ۵۰ را می‌توان جزء موارد اختلاف

۱. محمد بن سفیان کوفی به نقل از علی بن حمزة کسائی آورده است که در مصاحف مدینه «الف» ثبت نمی‌شود (ابن ابی داود، ۱۴۰۵: ۵۸). رهنی آن را با عبارتی تردیدآمیز آورده است: «وزعم آخرون أنّ فی مصحف أهل المدينة... وفي هل أتى: "قواریرًا. قواریرًا" بزيادة ألف فی الثانية» (سید ابن طاووس، ۱۳۶۹: ۵۴۶). سخاوی نیز در مصحفی عتیق در شام آن را با «الف» دیده است (۱۴۲۷: ۲۲۹). یحیی بن آدم از ابن ادریس گزارش کرده است که در نخستین مصاحف، بدون «الف» بوده است (ابن انباری، ۲۰۱۰: ۱۹۱؛ ابوعمر و دانی، ۱۹۷۸: ۴۶). مهدوی نیز از ابن ادریس بازگو کرده است که در تمامی مصاحف، بدون «الف» است (۱۴۲۸: ۶۴).

۲. علی بن حمزة کسائی (ابن ابی داود، ۱۴۰۵: ۵۰ و ۵۸)، فراء (بی تا: ۲۱۴/۳)، خلف (ابن انباری، ۲۰۱۰: ۱۸۹؛ ابوعمر و دانی، ۱۹۷۸: ۴۶؛ مهدوی، ۱۴۲۸: ۶۴) و ابوعبید قاسم بن سلام گفته‌اند که در مصاحف بصره بدون «الف» بوده است (مهدوی، ۱۴۲۸: ۶۳). سواده بن زیاد برحی این کلمه را در قرائت اهل عراق بدون «الف» روایت کرده است (ابن ابی داود، ۱۴۰۵: ۵۴). خلف در مصحفی که قرائت آن منسوب به ابی بن کعب بوده و نزد آل انس بن مالک در بصره نگهداری می‌شده است، بدون «الف» دیده است (ابن انباری، ۲۰۱۰: ۱۸۹). ابوبکر از عاصم، نافع و کسائی «قواریرًا»، ابن عامر «قواریرًا»، حفص از عاصم و ابوعمر و بن علاء «قواریر» و حمزه و ابن کثیر «قواریر» قرائت کرده‌اند (ابن مجاهد، ۱۴۰۰: ۶۶۳-۶۶۴).

۳. نافع و ابن عامر «فلا یخاف» مطابق مصاحف اهل مدینه و شام خوانده‌اند و ابن کثیر، عاصم، ابوعمر و حمزه و کسائی «ولا یخاف» مطابق مصاحف خود (ابن مجاهد، ۱۴۰۰: ۶۸۹).

قرائات دانست نه اختلاف مصاحف؛ زیرا در زمان عثمان هنوز مصاحف نقطه گذاری نشده بود. بنابراین در ردیف ۲۰، رسم الخط «یسیرکم» و «ینشیرکم» هر دو یکسان است و مصوّت کشیده / / در اغلب کلمات کتابت نمی شده است (ر.ک: ردیف‌های ۲۳، ۲۶، ۲۸، ۳۱، ۳۲ و ۵۰).

با این حال، باید گفت که برخی مانند ابن ابی داود (د ۳۱۶ ق.) در کتاب *المصاحف* اصطلاح «اختلاف مصاحف» را اعم از اختلاف قرائات و اختلاف رسم الخط مصاحف دانسته‌اند.<sup>۱</sup>

- اگر قرائت حفص از عاصم را همان قرائت عامّه و جمهور مسلمانان بدانیم که به صورت متواتر از رسول خدا به ما رسیده است (لسانی فشارکی، ۱۳۹۰: ۱۶۵؛ معرفت، ۱۳۷۸: ۲۳۵-۲۴۲)، مصاحف کوفه بیشترین تطابق را با آن دارد؛ یعنی فقط در چهار مورد (ردیف‌های ۳۱، ۳۲، ۳۷ و ۴۲) با قرائت عامّه متفاوت بوده است. از آنجا که حمزه و کسائی این چهار مورد را مانند هم خوانده‌اند، گویا مصاحف کوفه بر اساس قرائت آن دو کتابت شده بوده است.

## علت پیدایش اختلاف در مصاحف امصار

### ۱. ثبت قرائات معتبر در مصاحف امام در زمان عثمان

اغلب عالمان علم قرائات و رسم‌المصحف اختلاف یادشده را برآمده از روایات نزول قرآن بر هفت حرف و جمع و تدوین قرآن در زمان عثمان می‌دانند (عسقلانی، ۱۳۷۹: ۳۰/۹) و معتقدند که این موارد، برگرفته از وحی و تعلیم پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بوده است. از این رو، عثمان دستور داد که این موارد در مصاحف ثبت شود و سپس مصاحف به شهرها ارسال شوند (ابوعمرودانی، ۱۹۷۸: ۱۱۸-۱۱۹؛ ابوعبید، بی تا: ۳۳۳). درباره علت ثبت این موارد در مصاحف دو دیدگاه وجود دارد:

۱. ابن ابی داود از «حدود ۲۴۰ موردی که ذیل «اختلاف مصاحف الصحابه» ذکر کرده به جز ۲۶ مورد که تصریحاً یا تلویحاً به مکتوب بودن آنها اشاره نموده، در بقیه موارد یا تصریح نموده که فلان مورد قرائت فلان صحابی است یا به مکتوب یا مقروء بودن کلمه یا کلمات مورد نظر اشاره‌ای نکرده است» (حاجی اسماعیلی، ۱۳۸۴: ش ۴۸/۶۸).

## الف) ضبط و حفظ قرائات معتبر

ابوعمر و دانی (د ۴۴۴ ق.) بر این باور بود که عثمان بن عفان برای تهیه و تدوین مصاحف، لغت (گوش یا زبان) قریش را برگزید و دیگر لغات (گوش‌های عربی) را که صحّت و ثبوت نداشت، انتخاب نکرد. برای عثمان ثابت شده بود که این حروف از طرف خداوند نازل شده و از پیامبر شنیده شده است و دانست که گردآوری آن‌ها در یک مصحف جز با تکرار کلمات ممکن نیست؛ ولی از آنجا که این کار سبب خلط و تغییر در رسم الخط قرآن می‌شد، این حروف را در مصاحف پراکنده کرد (ابوعمر و دانی، ۱۹۷۸: ۱۱۸-۱۱۹).

## ب) رعایت تطابق با روایت (قرائت) رایج در هر شهر

ابوالعباس مهدوی (د پس از ۴۴۰ ق.) معتقد است:

عثمان و موافقان او این موارد را در نسخه‌هایی که به امصار فرستادند، از آن رو تصویب کردند که آن‌ها را از مواردی می‌دانستند که قرآن بر آن اساس نازل شده بود و دیگر اینکه هر قومی بتواند مطابق با روایت (قرائت) خود بخواند (۱۴۲۸: ۱۰۲-۱۰۳).

## ۲. کتابت آگاهانه یا ناخودآگاه هر یک از دو قرائت به علت شهرت و

### اعتبار یکسان آن دو

غانم قدوری الحمد گوید:

به نظر می‌رسد در تفسیر این پدیده، این قول به واقعیت نزدیک‌تر است که بگوئیم هریک از دو وجهی که در قرائت این موارد روایت شده است، نزد صحابه‌ای که متولی استنساخ مصاحف در زمان عثمان بودند، از لحاظ شهرت و رواج در یک حد بوده‌اند. از این رو، اینان هر یک را در مصحفی ثبت کردند و گویا جز یک حرف ننوشتند. بنابراین آنچه در مصحف‌های امام نوشته می‌شد، یک حرف یعنی یک قرائت است، مگر این چند حرف معدود که در آن‌ها دو وجه مساوی وجود دارد و صحابه یکی را در بعضی از مصاحف و دیگری را در بعضی دیگر ثبت کرده‌اند. این کار یا از روی قصد و اراده انجام می‌گرفته است و یا به علت اعتبار بالا و نزدیکی هر دو وجه در مصاحف ثبت می‌شده‌اند؛ گویی دو وجه به منزله یک وجه‌اند (حمد، ۱۳۷۶: ۶۴۸).

## نقد و بررسی این دو دیدگاه

اولاً در این دیدگاه، نزول قرآن بر حروف هفت گانه به معنای نزول قرآن بر هفت گونه قرائت مشخص پنداشته شده که در میان صحابه رایج و متواتر بوده است، در حالی که در معنا و مراد این حدیث (سیوطی، ۱۴۱۶: ۱۵۷-۱۴۴/۱) و صحت صدور آن اختلاف نظر بسیار وجود دارد (ر.ک: مؤدب، ۱۳۷۸). به نظر می‌رسد بر اساس زمینه‌های صدور حدیث نزول قرآن بر هفت حرف، می‌توان گفت از آنجا که قرآن آموزان از جهات گوناگون به ویژه از دو جنبه زبان و روان با یکدیگر متفاوت‌اند و اهداف و روش‌های آموزش قرآن بر پایه دو اصل شفاهی و زبانی زبان آن، و روان‌شناختی بودن فرایند یادگیری آن شکل گرفته‌اند، این روایت بیانگر تبیین و اجرای اصل «آسان‌سازی» آموزش قرآن به عنوان آموزش یک زبان و گسترش حوزه قرائت قرآن (تصریف کلمات، آیات و سوره‌ها) بر مبنای تثبیت و حفظ ساختار منظم و قرائت واحد آن است تا فرایند یادگیری «زبان قرآن» تسهیل گردد. بنابراین حدیث سبعة احرف، بیانگر نزول قرآن بر هفت قرائت مختلف و مانند آن نیست تا رسول خدا ﷺ به ثبت و کتابت آن‌ها اقدام کنند یا انجام آن را به مسلمانان سفارش نمایند (رجبی، ۱۳۸۵: ش ۱۲۷-۸۳/۷۲)، بلکه تأکید ایشان بر خالص نگه‌داشتن متن قرآن بود تا بدون کمترین اختلاف، به صورت یکدست و یکنواخت در اختیار نسل‌های بعدی مسلمانان قرار گیرد (مسلم بن حجاج، ۱۳۷۴: ۲۲۹۸/۴). فضیل بن یسار به امام صادق علیه السلام گوید: مردم می‌گویند: قرآن بر هفت حرف [= قرائت] نازل شده است! امام در پاسخ فرمود:

دشمنان خدا دروغ گفته‌اند. قرآن بر حرف [قرائت] واحد و از نزد خدای واحد نازل شده است (کلینی، ۱۳۸۱: ۶۳۰/۲).

نیز امام باقر علیه السلام می‌فرماید:

قرآن یکی است و از نزد خدای یگانه نازل شده است [پس بیش از یک قرائت ندارد] ولی این اختلاف [در قرائت قرآن] از جانب راویان است (همان).

راویانی که به سبب اختلاف لهجه و زبان یا فراموشی و اشتباه سهوی یا تحت تأثیر علم صرف و نحو و دیدگاه‌های خاص تفسیری یا گاهی از سرِ مُطایبه و نکته‌پردازی و یا

شاذگرایی در قرائت، قرآن را متفاوت خوانده‌اند (لسانی فشارکی، ۱۳۹۰: ۵۶۲-۵۸۴) و یا به علت نفهمیدن جایگاه حدیث سبعة احرف، برخی قرائت‌ها را که نزد رسول خدا ﷺ به منظوری دیگر تأیید و تقریر شده‌اند، «قرآن» پنداشته‌اند.

فیض کاشانی (د ۱۰۹۱ ق.) آورده است: مراد از هر دو حدیث یکی است و آن اینکه قرائتِ درست و اصلی یک قرائت است. امام باقر و امام صادق علیهما السلام از آنجا که می‌دانند مردم در فهم حدیث سبعة احرف به اشتباه افتاده‌اند و بر پایه این اشتباه، قرائات گوناگون را نازل شده از جانب خدا و صحیح می‌پندارند، این گمان نادرست را بر طبق این دو حدیث تکذیب می‌کنند. اما بین حدیث دو امام علیهما السلام و حدیث سبعة احرف منافاتی وجود ندارد (۱۳۶۲: ۴۰/۱)؛ چرا که ائمه هدی علیهم السلام در مقامی دیگر، صحت صدور حدیث نبوی سبعة احرف: «أنزل القرآن على سبعة أحرف كلها كافٍ شافٍ» را تأیید کرده‌اند؛ چنان که امام علی علیه السلام درباره درستی این حدیث فرمود: راویان راست گفته‌اند: «أنزل القرآن على سبعة أحرف... فإذا تكلمت به كان صواباً...» (جعفری، ۱۹۵۴: ۲۱۵).

امام باقر علیه السلام می‌فرماید:

«إن لكتاب الله ظاهراً وباطناً ومعائناً وناسخاً ومنسوخاً ومحكماً ومتشابهاً وسنناً وأمثالاً وفصلاً ووصلاً وأحرفاً وتصريقاً، فمن زعم أن كتاب الله مبهم فقد هلك وأهلك» (برقی، بی‌تا: ۲۷۰/۱)؛ اگر کسی با ظاهر و باطن، ناسخ و منسوخ، محکم و متشابه، سنن و امثال، فصل و وصل و احرف و تصریف قرآن آشنا نباشد و این مسائل برای او تبیین نگردد، قرآن برای او مجمل و مبهم خواهد بود و در این صورت، هم خود را هلاک می‌کند و هم دیگران را.

حماد بن عثمان به امام صادق علیه السلام گفت: احادیث شما مختلف و متفاوت از یکدیگر به نظر می‌رسد. امام علیه السلام در جواب فرمود: «إن القرآن نزل على سبعة أحرف وأدنى ما للإمام أن يفتي على سبعة وجوه» (صدوق، ۱۳۶۲: ۳۵۸/۲)؛ یعنی قرآن به گونه‌ای نازل شده است که همه شرایط و ویژگی‌های مخاطبان خود را در نظر دارد و در مقابل همه آن‌ها انعطاف‌پذیر است. از این رو، هر امامی دست کم می‌تواند با توجه به شرایط مختلف انسان‌ها به هفت وجه فتوا دهد.



ثانیاً) به رغم شهرت جمع قرآن در زمان عثمان، وحدت نظری درباره اصل این موضوع و چگونگی آن در میان روایات و دیدگاه‌های دانشمندان وجود ندارد؛ برخی، روایات جمع قرآن در زمان خلفای راشدین را با توجه به تناقض‌ها و تضادهایی که با هم دارند (ر.ک: ابن شُبّه، بی‌تا: ۸۷/۱، ۷۰۶-۷۰۵/۲ و ۹۹۰-۱۰۱۷/۳). ضعیف یا جعلی می‌دانند (سید ابن طاووس، ۱۳۶۹: ۱۶ و ۱۹۲؛ موسوی خویی، ۱۴۰۱: ۲۴۰-۲۴۹؛ عاملی، ۱۴۰۷: ۵۱، ۱۰۳، ۱۳۱؛ ابن ابی‌الحدید، ۱۹۶۷: ۴۴-۴۵/۱۱؛ حکیم، ۱۳۷۸: ۱۰۳ و ۱۱۷؛ پاکتچی، ۱۳۸۹: ۲۶۴-۲۷۵).

سید مرتضی علم‌الهدی (د ۴۳۶ ق.) بر این باور است:

همانا قرآن در زمان رسول خدا به همین ترتیب کنونی جمع و تدوین گردید؛ زیرا قرآن محور اصلی تعلیم و تعلم بود و تمام متن آن در همان زمان حفظ و تثبیت می‌شد... گروهی از صحابه... قرآن را بارها به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله عرضه و ختم کردند. این دلایل با اندک تأملی دلالت دارند بر اینکه قرآن یک مجموعه مرتب و مدون بوده و آیات و سوره آن پراکنده و گسسته نبوده است. بنابراین نباید از این دلایل معلوم و درست و قطعی دست کشید و به بعضی اخبار ضعیف که برخی اصحاب حدیث آن‌ها را صحیح پنداشته و گزارش کرده و برخی از امامیه و حشویه به آن‌ها اعتماد نموده‌اند، اعتنا کرد (طبرسی، ۱۳۷۴: فن خامس).

علامه سیدشرف‌الدین موسوی عاملی (۱۳۷۳: ۳۴-۳۹) و آیه‌الله العظمی بروجردی (د ۱۳۸۰ ق.) نیز معتقدند که جمع قرآن قطعاً بدان گونه که اکنون در دست ماست در زمان پیامبر صلی الله علیه و آله سامان گرفته است. آیه‌الله العظمی بروجردی روایات جمع قرآن پس از پیامبر صلی الله علیه و آله را مجعول و موضوع می‌داند که مجادلات سیاسی و کلامی زمینه جعل آن‌ها را فراهم کرده است (موسوی دارابی، ۱۳۸۵: ۴/۱۴۴-۱۴۵؛ مهدوی راد، ۱۳۸۲: ۳۶۵-۳۶۷؛ نیز ر.ک: مدرسی طباطبایی، ۱۳۸۰: ش ۴۱/۱۱-۷۸؛ شبیری، ۱۳۸۸: ۱۵۱؛ بهبودی، ۱۴۲۷: ۵-۲۶ و ۷۳-۸۰؛ Burton, 1977: 18-19, 160-166, 174-187؛ قس: طباطبایی و رجیبی قدسی، ۱۳۹۱: ش ۸۷/۱).

ثالثاً) با فرض صحت صدور روایات جمع قرآن در زمان عثمان، در این روایات مطلبی که دلالت کند عثمان دستور ثبت قرائت مختلف در مصاحف را داده باشد، وجود ندارد. همچنین این ادعا با هدف او برای اتحاد امت اسلامی بر یک مصحف واحد

در تضاد است. شاید خبر ذیل به گونه‌ای اشعار به کتابت قرائات مختلف داشته باشد. بر پایه گزارش مصعب بن سعد، عثمان در مدینه از اختلاف مسلمانان در قرائت قرآن اظهار نگرانی کرد و از آنان خواست هر کس نوشته‌ای از کتاب خدا را در اختیار دارد بیاورد. عثمان قرائاتی را که افراد از رسول خدا شنیده بودند، پذیرفت. آنگاه به سعید بن عاص که فصیح‌تر از همه بود دستور داد که املا کند و زید بن ثابت بنویسد. از روی این مصحف، مصاحفی بسیار کتابت شد و میان سپاهیان توزیع گردید (ابن شُبّه، بی‌تا: ۹۹۴/۳؛ نیز رک: ابن ابی‌داود، ۱۴۰۵: ۳۱-۳۲).

اما باید گفت که قسمت اول خبر فوق بیشتر با روایت جمع قرآن در زمان ابوبکر هماهنگ است (ابن ابی‌داود، ۱۴۰۵: ۱۲-۱۵) و با فضای اخبار جمع قرآن در زمان عثمان (ابن شُبّه، بی‌تا: ۱۰۱۷-۹۹۰/۳) همخوانی ندارد.

رابعاً درباره دیدگاه ابوالعباس مهدوی (د پس از ۴۴۰ ق.) که گفته است: «عثمان و کسانی که با نظر او توافق کردند چنین اختلافی را در نسخه‌هایی که دستور نوشتن و فرستادن آن‌ها را به شهرهای مختلف داده بود، از آن رو تصویب کردند... تا هر قومی مطابق با روایت (قرائت) خود بخواند» (مهدوی، ۱۴۲۸: ۱۰۲-۱۰۳)، این پرسش‌ها مطرح می‌شود که آیا قبل از تهیه مصاحف امام، قرائت رایج در هر یک از آن امصار تثبیت شده بود و همگان به آن دسترسی داشتند؟ آیا در انجمنی که عثمان برای استنساخ مصاحف در نظر گرفت از هر شهری نماینده‌ای وجود داشت تا قرائت آن شهر را در مصحفشان ضبط کنند؟ آیا می‌توان قرائت قاریان هفت‌گانه را که در اواخر سده نخست و سده دوم قمری می‌زیستند، همان قرائات رایج در آن امصار در زمان عثمان دانست؟ با توجه به تاریخ تدوین قرائات و مسئله اختیار و اختلاف نظر قاریان درباره ملاک‌های درستی قرائات به نظر می‌رسد نمی‌توان به آن قرائات دست یافت و قرائت قاریان هفت‌گانه را عین قرائت رایج در آن منطقه در زمان عثمان دانست. بنابراین دیدگاه ابوالعباس مهدوی پذیرفتنی نیست؛ زیرا علت اصلی اقدام عثمان در تهیه مصحفی واحد، وجود همین اختلاف مصاحف و قرائاتی مختلف بود که از آن‌ها نشئت می‌گرفت. در نامه عثمان به امصار، علت تدوین چهار مصحف این‌گونه آمده است: چون دیدم برخی از اهل امصار بر اساس قرائت ابودرداء و بعضی بر قرائت ابن مسعود و گروهی بر

حرف عبدالله بن قیس می‌خوانند که با یکدیگر مختلف است، این را پدیده‌ای زشت دیدم و از اختلاف اُمَّت اسلام ترسیدم. پس تصمیم گرفتم با استنساخ این چهار مصحف از روی ورق‌هایی که با املاى رسول خدا کتابت شده است، راه اختلاف در قرآن بسته شود (ابن شُبّه، بی‌تا: ۹۹۷-۹۹۸).

ابوطاهر عقیلی نیز به نادرستی دیدگاه مهدوی تصریح کرده و گفته است:

رسم مصحف مطابق با قرائت شهری که مصحف به آنجا فرستاده شد، نوشته نشد تا تابع قرائت اهالی آن شهر باشد. مرجع چیزهایی که به مصحف یک شهر نسبت داده شده، روایت مسلسل است که گاهی قرائت با مصحف موافق است که غالباً چنین است و گاهی متفاوت است و عیبی ندارد (حمد، ۱۳۷۶: ۶۵۲).

### ۳. اشتباهات سهوی استنساخ‌کنندگان مصاحف امام در زمان عثمان

ابورجاء بلخی قتیبة بن سعید بن جمیل بن طریف ثقفی (د ۲۴۰ ق.) گوید:

با لیث بن سعد (د ۱۷۵ ق.) از اسکندریه همسفر بودم. او در نماز سوره «وَالشَّمْسِ وَضُحَاهَا» را خواند و آیه آخر آن را «فلا یخاف عَقَبَهَا» مطابق مصاحف اهل مدینه قرائت کرد. اهل عراق این قرائت را اشتباه کاتب می‌دانند<sup>۱</sup> (مستغفری، ۲۰۰۸: ۴۵۷/۱).

اما باید پرسید که آیا می‌توان این ۶۰ مورد اختلاف را ناشی از اشتباهات سهوی استنساخ‌کنندگان مصاحف امام در زمان عثمان دانست؟ اگر پاسخ مثبت باشد با توجه به ابزار کتابت در آن زمان و حجم بسیار بالای متن قرآن، این اشتباهات بسیار اندک و در حد صفر است. به هر حال، عثمان به کمک کاتبان وحی بر نگارش درست کلمات قرآن نظارت داشت. هانی، غلام آزادشده عثمان، گوید:

من نزد عثمان بودم که مصاحف را بر او عرضه می‌کردند. عثمان مرا با استخوان کتف گوسفند به سوی اُبی بن کعب فرستاد. اُبی به «لم یتسنن» (بقره/ ۲۵۹) «ه» را افزود و از «لا تبدل للخلق» (روم/ ۳۰) یک «ل» و از «فأمهل الکافرین» (طارق/ ۱۷)، «أ» را حذف کرد (ابوعبید، بی‌تا: ۲۸۶-۲۸۷؛ نیز ر.ک: ابن شُبّه، بی‌تا: ۱۰۰۲-۱۰۰۳).

۱. قاریان عراق این آیه را «وَلَا یَخَافُ عَقَبَهَا» قرائت می‌کردند.

#### ۴. درج قرائت مشهور در هر منطقه پس از عثمان

الف) برخی با توجه به بعضی قراین معتقدند که کتابت مصحف، پس از توحید مصاحف در زمان عثمان تا تثبیت قرائت هفت گانه در آغاز سده چهارم، بر اساس قرائت مشهور و رایج هر منطقه بوده است؛ چه برای مثال، کتابت مصحف ابن بؤاب در ۳۹۰ ق. بر اساس قرائت ابوعمر و بن علاء بصری (د ۱۵۴ ق.) است (حاجی اسماعیلی، ۱۳۸۴: ش ۶۸/۶۲). همچنین گفته شده که عطیة بن قیس کلابی (د ۱۲۱ ق.)، از قاریان شام و هم‌تراز ابن عامر، مصاحف را بر اساس قرائت خود برای اهل دمشق اصلاح نموده است (ابوشامة مقدسی، ۱۴۰۶: ۱۶۵).

اما بررسی قرائت قاریان هفت گانه و مصاحف شهر آنها نشان می‌دهد که همواره نسبتی مساوی میان قرائت آنان با مصحف شهرشان برقرار نیست. از این رو، ابوعمر و دانی گفته است:

ما نمی‌توانیم با توجه به قرائت پیشوایان قرائت شهرها به کیفیت رسم الخط مصاحف آن شهرها یقین بیابیم مگر اینکه روایتی صحیح از مصاحف آنها در دست داشته باشیم؛ زیرا قرائت آنها در مواردی بسیار، مطابق با رسم مصحف شهرشان نیست؛ مثلاً ابوعمر و بن علاء آیه «يَعْبَادُ لَا خَوْفَ عَلَيْنَاكُمْ» (زخرف/ ۶۸) را با «یاء» خوانده: «یعبادی»، در حالی که مصحف اهل بصره بدون «یاء» است و آیه «وَأَكُنْ مِنَ الصَّالِحِينَ» (منافقون/ ۱۰) را با «واو» و نصب خوانده: «وَأُكُون»، در حالی که در تمام مصاحف بدون «واو» و با جزم آمده است و در آیه «وَإِذَا الرُّسُلُ أَقْبَتْ» (مرسلات/ ۱۱) با «واو» از ماده «وقت»: «وَقَّتْ» خوانده، در حالی که در تمام مصاحف با «الف» آمده است.

او مثال‌هایی دیگر می‌آورد و سپس ادامه می‌دهد:

کسانی را از معاصران خود دیده‌ام که به گردآوری مواردی از هجای مصاحف بر اساس قرائت‌های فرو گذاشته شده، پرداخته و آن را اصل قرار داده‌اند و از این راه، موارد افزوده یا کاسته شده را که در قرائت قاریان آمده، به مصاحف شهر آنها نسبت داده‌اند و این اشتباهی است ناشی از توجه نکردن به روایت، بی‌دقتی و دانش اندک؛ زیرا نمی‌توان به چگونگی رسم‌المصاحف یقین حاصل کرد مگر با خبری که از پیشوایان گذشته نقل شده یا روایتی صحیح که از دانشمندان متخصص این علم که در نقل مطمئن و امانت دارند، رسیده باشد (ابوعمر و دانی، ۱۹۷۸: ۱۱۸).

بنابراین از آنجا که در تعداد مصاحف استنساخ شده در زمان عثمان و شهرهایی که برای آن‌ها مصحف فرستاده شد، اختلاف نظر است (ابن شَبَّه، بی‌تا: ۹۹۷/۳-۹۹۸؛ یعقوبی، ۱۳۸۷: ۱۱۸/۲؛ ابن ابی‌داود، ۱۴۰۵: ۴۳-۴۴؛ ابوعمرو دانی، ۱۹۷۸: ۱۹؛ رامیار، ۱۳۶۲: ۴۵۹-۴۶۴) و نیز کسی ادعا نکرده است که همه مصاحف را از نزدیک دیده و با هم مقابله کرده است (حاجی‌اسماعیلی، ۱۳۸۴: ش ۵۴/۶۸). چه‌بسا این مکتوبات، اختلاف مصاحف زمان خود را گزارش می‌کنند و ارتباطی با مصاحف امام ندارند. مارغنی تونسی می‌نویسد:

بدان که پیشوایان علم رسم هر چه را گفته‌اند از مصاحف عثمانی به طور مستقیم نقل نکرده‌اند و چه‌بسا بازگویی ایشان از یکی از این مصاحف بوده است و بسا که براساس حکایت‌هایی که از آن مصاحف شده، سخنی را بازگو کرده‌اند و چه‌بسا به هر یک از مصحف‌های مدینه و مکه و شام و عراق اعتماد نموده و به گمان اینکه این مصحف‌ها از روی همان مصاحفی که عثمان به این شهرها فرستاده نگاشته شده، مطالبی را نقل کرده‌اند (۱۹۷۴: ۱۲).

حجاج بن یوسف ثقفی (د ۹۵ ق.) به انجمنی پنج نفره شامل ابوالعالیه (د ۹۰ یا ۹۶ ق.)، عاصم جحدری، ابن اصمغ و مالک بن دینار (از کاتبان خوشنویس) به سرپرستی حسن بصری دستور داد تا از روی مصحف عثمان که نزد آل عثمان بود، مصاحفی را بنویسند. پس از استنساخ و عرضه این مصاحف بر مصحف عثمان که با اشراف عاصم جحدری صورت گرفت و کاستی‌ها و اشکالات آن‌ها رفع شد (باقلانی، ۱۹۷۱: ۹۶) حجاج آن‌ها را به امصار فرستاد و مصحفی بزرگ را به مدینه روانه ساخت (ابن شَبَّه، بی‌تا: ۷/۱؛ ابوطیب مکی، ۱۴۲۱: ۴۳۹/۲). از این رو، شاید کتب پیش گفته، اختلاف این مصاحف را بیان می‌کنند. آنچه می‌تواند مؤید این نظر باشد گزارش منابع از اختلاف مصاحف شام با مدینه و کوفه در آیه ﴿هُوَ الَّذِي يُسِرُّكُمْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ﴾ (یونس / ۲۲) است که گفته شده در مصاحف شام «ینشرکم» مطابق قرائت ابن عامر، قاری دمشق، بوده است (ابوعبید، بی‌تا: ۳۳۱) و در سایر مصاحف «یسیرکم» مطابق قرائت بقیه قاریان سبغ (ابن مجاهد، ۱۴۰۰: ۳۲۵؛ ابن ابی‌داود، ۱۴۰۵: ۵۵؛ ابوعمرو دانی، ۱۹۷۸: ۱۰۸). حال با توجه به اینکه نقطه گذاری مصاحف در زمان حجاج آغاز شده است (ابن ابی‌داود، ۱۴۰۵: ۱۵۸؛ ابوطالب مکی، ۱۴۲۶: ۸۵ و ۲۹۰؛ حمد، ۱۳۷۶: ۴۹۵)، این گزارش مربوط به این دوره است؛

زیرا اگر گزارشی از مصاحف زمان عثمان می‌بود نباید جزء اختلاف مصاحف ثبت می‌شد، چون در آن زمان شکل نگارشی «یسیرکم» و «ینشکرکم» هر دو یکسان بوده است.

### ۵) مقایسهٔ مصاحف امصار با مصحف امام

ممکن است مؤلفان منابع پیش گفته، اختلاف مصاحف امصار زمان خود را با مصحف رسمی میان مسلمانان که به مصحف امام یا عثمان مشهور بوده است، گزارش کرده‌اند. خالد بن ایاس بن صخر بن ابوالجهم (د پس از ۱۶۱ ق.) و ابوالربیع سلیمان بن مسلم بن جمّاز زهری (د پس از ۱۷۰ ق.)، ۱۲ مورد اختلاف مصاحف اهل مدینه با مصحف عثمان را آورده است (ابن ابی‌داود، ۱۴۰۵: ۴۶-۴۷). مصاحف اهل شام نیز در این ۱۲ مورد، با مصحف عثمان متفاوت‌اند (جدول شمارهٔ ۳، ردیف‌های ۴، ۵، ۷، ۸، ۱۰، ۱۶، ۲۰، ۲۷، ۲۸، ۳۰، ۳۲ و ۳۵).

گرچه ابن وهب گوید که از مالک [بن انس] دربارهٔ مصحف عثمان پرسیدم و او گفت که از بین رفته است (همان: ۴۴). ابوعمرو دانی در چندین جا گزارش رؤیت ابوعبید، یحیی بن حارث، عاصم جحدری، ابوحاتم سجستانی و اسید بن یزید از مصحف امام یا همان مصحف عثمان را آورده است (ر.ک: ابوعمرو دانی، ۱۹۷۸: ۲۹، ۴۵، ۵۹، ۹۴-۹۶، ۱۰۲، ۱۰۶، ۱۰۷، ۱۰۹-۱۱۰، ۱۱۲ و ۱۱۷). بنابراین اگر سخن مالک را بپذیریم، مصحف امام یا عثمان در سخن کسانی که آن را دیده‌اند، نشان‌دهندهٔ هماهنگی آن با مصحف امام در صدر اسلام است.

جدول شمارهٔ (۳) روایات رسیده از رسم الخط مصحف امام

سوره / آیه	رسم الخط کلمه در مصحف امام
بقره / ۵۵ و ...	حتی
بقره / ۵۸	خطیکم
بقره / ۱۲۴ و ...	ایراهم
بقره / ۱۳۲	و وصی بها ابراهم
آل عمران / ۱۳۳	وسارعوا الی مغفرة
مائده / ۲۹ و ۳۳	جزوا

۷	مائده / ۵۳	ويقول الذين آمنوا
۸	مائده / ۵۴	من يرتد منكم
۹	برائت (توبه) / ۴۷	ولا أوضاعوا
۱۰	برائت (توبه) / ۱۰۷	والذين اتخذوا مسجداً
۱۱	يونس / ۱۴	لنظر
۱۲	هود / ۱۰۵	يات
۱۳	يوسف / ۳۱ و ۵۱	حاش لله
۱۴	يوسف / ۱۱۰	فنجي
۱۵	رعد / ۴۲	الكفر
۱۶	كهف / ۳۶	لأجدن خيراً منها
۱۷	انبیاء / ۸۸	نجي
۱۸	مؤمنون / ۷۲	خرجاً
۱۹	مؤمنون / ۸۵، ۸۶ و ۸۹	سيقولون لله
۲۰	شعراء / ۲۱۷	وتوكل على العزيز
۲۱	احزاب / ۱۰	الظنونا
۲۲	احزاب / ۲۰	يسلون
۲۳	احزاب / ۶۶	الرسولا
۲۴	احزاب / ۶۷	السيبلا
۲۵	فاطر (ملائكه) / ۳۳	لؤلؤ <sup>۲</sup>
۲۶	صاد / ۳	ولا تحين مناص
۲۷	مؤمن / ۲۶	أو أن يظهر في الأرض
۲۸	شورى / ۳۰	فيما كسبت أيديكم

۱. ابوعمرو دانی گوید: در هیچ مصحفی این گونه ثبت نشده، بلکه همان طور که محمد بن عیسی گفته در مصاحف قدیم و جدید با دو «نون» آمده است. همه قاریان هفت گانه با دو «ن» قرائت کرده‌اند، جز در روایت عبدالحمید بن بکار از ایوب با اسنادش از ابن عامر که «لنظر» آمده است (۱۹۷۸: ۹۴).
۲. عاصم جحدری گفته که در مصحف امام، «لؤلؤ» بدون «الف» بوده است (ابن انباری، ۱۴۲۹: ۷۳؛ ابوعمرو دانی، ۱۹۷۸: ۴۷-۴۸)، اما قائلان از نافع آن را با «الف» گزارش کرده است. اسید نیز از اعرج روایت کرده که اهل مدینه «لؤلؤا» را در همه جا با «الف» کتابت می‌کنند (ابوعمرو دانی، ۱۹۷۸: ۴۷). از گزارش بشار بن ایوب از اسید بن یزید برمی‌آید که در همه مصاحف این گونه بوده است: «كل موضع في القرآن فيه "اللؤلؤا" فإنهم يكتبون فيه ألفاً بعد الواو الآخرة وإن أهل المدينة يكتبون ذلك» (ابن ابی داود، ۱۴۰۵: ۱۱۶). بنابراین روایت عاصم جحدری پذیرفتنی نیست.

جزءا	شوری / ۴۰	۲۹
تشتهی الأنفس	زخرف / ۷۱	۳۰
ذو العصف	رحمن / ۱۲	۳۱
فإن الله هو الغنی الحمید	حدید / ۲۴	۳۲
قل	جن / ۲۰	۳۳
قواریرا	انسان / ۱۶-۱۵	۳۴
ولا یخاف عقبها	شمس / ۱۵	۳۵

بنابراین کتب اختلاف مصاحف امصار نه تنها دلیل پریشانی و نبودن وحدت رویه در کتابت قرآن نیست بلکه بیانگر دقت و حساسیت بسیار بالای قاریان و عالمان اسلامی است تا متن قرآن به درستی و با کمال امانت‌داری به نسل‌های بعدی سپرده شود. این همه، نتیجه تعالیم حکیمانه رسول خدا ﷺ در بنیان‌گذاری نظام آموزش قرآن است که یکی از عناصر آن عرضه قرائت و مصحف برای اطمینان از صحت آن است. در این نظام آموزشی، قرآن‌آموزان آیات و سوره‌هایی را که فرا گرفته و نوشته بودند، بر معلم یا مصحف او عرضه می‌کردند تا ضمن توجه بیشتر به تفاوت قرائت و کتابت قرآن و ویژگی‌های رسم‌الخط آن، خطاهای نگارشی و کاستی‌ها و فزونی‌های احتمالی مصحفشان معلوم شود. ابوالاحوص می‌گوید: «گروهی از یاران پیامبر از جمله ابن مسعود در دار ابوموسی به عرضه مصحف می‌پرداختند» (ابن سعد، ۱۴۱۰: ۲۶۱/۲). سفیان گوید: «زبید در ماه رمضان قرآن را عرضه می‌کرد و افراد بسیاری با مصحفشان نزد او جمع می‌شدند» (ابن ابی‌داود، ۱۴۰۵: ۱۷۵). حکم بن عتیبه نیز گوید: «مجاهد و عبده بن ابی‌لبابه و گروهی از مردم مصاحف را عرضه می‌کردند» (ابوعبید، بی‌تا: ۱۰۷؛ ابن‌ضریس، ۱۹۸۸: ۵۳).

بنابراین چه‌بسا گزارش ابوعبید قاسم بن سلام در فضائل القرآن (بی‌تا: ۳۳۰) به نقل از ابودرداء (د ۳۲ ق.) که گفته است ۲۸ حرف از مصاحف اهل شام این گونه است، ناظر به اختلاف‌هایی باشد که میان مصحف اهل شام و مصاحف کبار صحابه در مدینه در زمان خلافت عمر وجود داشته است؛ زیرا اهل شام قبل از عثمان صاحب مصحف بودند و نسبت به صحت رسم‌الخط آن مانند سایر مناطق اسلامی اهمیاتی ویژه داشتند. ابن ابی‌داود آورده است:



بودرداء همراه گروهی از مردم دمشق در عهد عمر وارد مدینه شد تا مصحفی را که با خود آورده بودند بر اهل مدینه از جمله علی عَلِيٌّ، ابی بن کعب و زید بن ثابت عرضه کنند (۱۴۰۵: ۱۷۴؛ نیز ر.ک: ابن شُبَّه، بی تا: ۷۰۹/۲-۷۱۰).

### نتیجه گیری

- اختلاف رسم الخطِ مصاحف امصار ۶۰ مورد است که شش مورد آن باعث اختلاف قرائت نمی گردد و ۵۴ مورد دیگر گرچه موجب تفاوت در قرائت شده اند، از نظر مفهومی، بیانگر تضاد و تناقض معنایی نیستند بلکه نوعی تنوع و تغایر در تعبیرند.

- دلیلی روشن و موجه برای اثبات نظر مشهور که سبب اختلاف مصاحف امصار را از ثبوت قرائات معتبر در مصاحف امام در زمان عثمان می داند، یافت نشد.

- اگر قرائت حفص از عاصم را همان قرائت عامه و جمهور مسلمانان بدانیم که به صورت متواتر از رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به ما رسیده است، در این صورت رسم الخطِ مصاحف کوفه بیشترین تطابق را با این قرائت دارد؛ یعنی فقط در چهار مورد با قرائت عامه متفاوت بوده است. در این چهار مورد نیز چون پس از عاصم، حمزه و کسائی مقری کوفه بوده و مانند هم خوانده اند، مصاحف کوفه بر اساس قرائت آن دو کتابت شده است.

## کتاب‌شناسی

۱. جفری، آرتور (مصّحح)، *المبانی فی نظم المبانی*، چاپ‌شده در *مقدمتان فی علوم القرآن*، مصر، مکتبه الخانجی، ۱۹۵۴ م.
۲. ابن ابی‌الحدید، عبدالحمید بن هبة‌الله، *شرح نهج‌البلاغه*، به کوشش محمد ابوالفضل ابراهیم، بیروت، دار احیاء الکتب العربیه، ۱۹۶۷ م.
۳. ابن ابی‌داود، عبدالله، *المصاحف*، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۰۵ ق.
۴. ابن انباری، محمد بن قاسم، *ایضاح الوقف و الابتداء فی کتاب الله ﷺ*، تحقیق احمد مهدلی، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۲۰۱۰ م.
۵. همو، *مرسوم الخط*، تحقیق حاتم صالح الضامن، الامارات العربیه المتّحده، الشارقه، ۱۴۲۹ ق.
۶. ابن زنجله، ابوزرعه عبدالرحمن بن محمد، *حجة القراءات*، تحقیق سعید افغانی، بیروت، مؤسسه الرساله، ۱۴۰۲ ق.
۷. ابن سعد، محمد، *الطبقات الکبری*، تحقیق احسان عباس، بیروت، دار صادر، ۱۴۱۰ ق.
۸. ابن شُبّه، عمر، *تاریخ المدینه المنوره*، تحقیق فهیم محمد شلتوت، بی‌تا.
۹. ابن ضریس، محمد بن ایوب، *فضائل القرآن و ما انزل من القرآن بمکه و ما انزل بالمدینه*، به کوشش غزوه بدیر، دمشق، دار الفکر، ۱۹۸۸ م.
۱۰. ابن مجاهد، احمد بن موسی، *السبعة فی القراءات*، تحقیق شوقی ضیف، قاهره، دار المعارف، ۱۴۰۰ ق.
۱۱. ابن مهران نیشابوری، ابوبکر بن احمد بن حسین، «رسم القرآن»، به کوشش ابوالقاسم امامی، گنجینه بهارستان ۳ (علوم قرآنی و روایی ۱)، به کوشش سیدمهدی جهرمی، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۰ ش.
۱۲. ابن ندیم، محمد بن اسحاق، *الفهرست*، تحقیق ابراهیم رمضان، بیروت، دار المعرفه، ۱۴۱۷ ق.
۱۳. ابوحیان اندلسی، محمد بن یوسف، *البحر المحیط فی التفسیر*، تحقیق عادل احمد عبدالموجود، علی محمد معوض، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۲۲ ق.
۱۴. ابوداود سلیمان بن نجاح، *مختصر التبیین لهجاء التنزیل*، تحقیق احمد شرشال، المدینه المنوره، مجمع الملك فهد، ۱۴۲۳ ق.
۱۵. ابوشامه مقدسی، عبدالرحمن بن اسماعیل، *المرشد الوجیز الی علوم تعلق بالکتاب العزیز*، تحقیق طیار آلتی قولاج، آنکارا، دار وقف الدیانة ترکی للطباعة و النشر، ۱۴۰۶ ق.
۱۶. ابوطالب مکی، محمد بن علی، *قوت القلوب فی معامله المحبوب و وصف طریق المرید الی مقام التوحید*، تحقیق عاصم ابراهیم کیالی، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۲۶ ق.
۱۷. ابوطیب مکی، محمد بن احمد، *شفاء الغرام باخبار البلد الحرام*، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۲۱ ق.
۱۸. ابوعبید قاسم بن سلام، *فضائل القرآن*، تحقیق مروان العطیه، محسن خرابه و وفاء تقی‌الدین، دار ابن کثیر، دمشق - بیروت، بی‌تا.
۱۹. ابوعمر و دانی، عثمان بن سعید، *المُتَنَع فی رسم مصاحف الامصار*، تحقیق محمد صادق قمحاوی، قاهره، مکتبه الکلیات الازهریه، ۱۹۷۸ م.
۲۰. باقلانی، ابوبکر محمد بن طیب، *نکت الانتصار لنقل القرآن*، تحقیق محمد زغلول سلام، اسکندریه، منشأة المعارف، ۱۹۷۱ م.
۲۱. برقی، احمد بن محمد، *المحاسن*، به کوشش سیدجلال‌الدین حسینی، دار الکتب الاسلامیه، بی‌تا.

۲۲. بهبودی، محمدباقر، *معرفة الحديث و تاريخ نشره و تدوينه و ثقافته عند الشيعة الامامية*، بيروت، دار الهادي، ۱۴۲۷ ق.
۲۳. پاکتچی، احمد، *نقد متن*، تهران، انجمن علمی دانشجویی هیات دانشگاه امام صادق علیه السلام، ۱۳۸۹ ش.
۲۴. حاجی اسماعیلی، محمدرضا، «بررسی تعامل و تقابل بین دو حوزه قرائت و کتابت قرآن از عصر نزول تا تسبیح قرائت»، *مطالعات اسلامی*، شماره ۶۸، تابستان ۱۳۸۴ ش.
۲۵. حکیم، سیدمحمدباقر، *علوم قرآنی*، ترجمه محمدعلی لسانی فشارکی، تهران، تبیان، ۱۳۷۸ ش.
۲۶. حمد، غانم قدوری، *رسم الخط مصحف*، ترجمه یعقوب جعفری، تهران، اسوه، ۱۳۷۶ ش.
۲۷. رامیار، محمود، *تاریخ قرآن*، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۲ ش.
۲۸. رجبی، محسن، «زمینه‌های صدور روایات احرف سبعة»، *مطالعات اسلامی*، شماره ۷۲، ۱۳۸۵ ش.
۲۹. سخاوی، علی بن محمد، *الوسيلة الى كشف العقيلة*، تحقیق نصر سعید، طنطا، دار الصحابة للتراث، ۱۴۲۷ ق.
۳۰. سید ابن طاووس، علی بن موسی، *سعد السعود*، نجف، الحیدریه، ۱۳۶۹ ق.
۳۱. سیوطی، جلال‌الدین عبدالرحمن، *الاتقان فی علوم القرآن*، به کوشش مصطفی دیب البغاء، دمشق - بیروت، دار ابن کثیر، ۱۴۱۶ ق.
۳۲. شبیری، سیدجواد، «یوست مقاله بررسی کوتاه از ستیزه‌های دیرین درباره عدم نقصان و زیادت قرآن»، *مقالاتی در تاریخ زبده و امامیه*، تهران، بصیرت، ۱۳۸۸ ش.
۳۳. صدوق، محمد بن علی بن حسین بن موسی بن بابویه قمی، *الخصال*، به کوشش علی اکبر غفاری، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۶۲ ش.
۳۴. طباطبایی، سیدکاظم و محسن رجبی قدسی، «بازخوانی روایات جمع قرآن بر پایه حدیث نزول قرآن بر هفت حرف»، *مطالعات قرآنی و روایی*، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۳۹۱ ش.
۳۵. طبرسی، فضل بن حسن، *مجمع البیان لعلوم القرآن*، تهران، ناصرخسرو، ۱۳۷۴ ش.
۳۶. عاملی، سیدجعفر مرتضی، *حقائق هامة حول القرآن الکریم*، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۰۷ ق.
۳۷. عسقلانی، احمد بن علی بن حجر، *فتح الباری شرح صحیح البخاری*، به کوشش محب‌الدین الخطیب، بیروت، دار المعرفه، ۱۳۷۹ ق.
۳۸. عمر، احمد مختار و عبدالعال سالم مکرم، *معجم القراءات القرآنیه*، مع مقدمه فی القراءات و اشهر القراء، تهران، اسوه، ۱۴۱۲ ق.
۳۹. فزّاء، یحیی بن زیاد، *معانی القرآن*، تحقیق عبدالفتاح اسماعیل شلبی، تهران، ناصرخسرو، بی تا.
۴۰. فیض کاشانی، محمدمحسن بن شاه مرتضی، *الصفای فی تفسیر القرآن*، به کوشش ابوالحسن شعرانی، تهران، کتابفروشی اسلامی، ۱۳۶۲ ش.
۴۱. کلینی، محمد بن یعقوب، *الکافی*، به کوشش علی اکبر غفاری، تهران، مکتبه الصدوق، ۱۳۸۱ ق.
۴۲. لسانی فشارکی، محمدعلی، *قراء سبعة و قرائت سبع* (گزارش، بررسی، مقایسه، آموزش و پژوهش)، تهران، اسوه، ۱۳۹۰ ش.
۴۳. مارغنی تونسلی، ابراهیم بن احمد، *دلیل الحیران شرح مورد الظمان*، قاهره، دار القرآن، ۱۹۷۴ م.
۴۴. مدرسی طباطبایی، سیدحسین، «بررسی ستیزه‌های دیرین درباره تحریف قرآن»، ترجمه محمدکاظم رحمتی، *هفت آسمان*، شماره ۱۱، پاییز ۱۳۸۰ ش.
۴۵. مستغفری، جعفر بن محمد، *فضائل القرآن*، تحقیق احمد بن فارس السلوم، دار ابن حزم، ۲۰۰۸ م.

۴۶. مسلم بن حجاج، الصحيح، به كوشش محمد فؤاد عبدالباقي، بيروت، دار احياء الكتب العربيه، ۱۳۷۴ ق.  
 ۴۷. معرفت، محمدهادی، علوم قرآنی، قم، التمهيد، ۱۳۷۸ ش.  
 ۴۸. موسوی خویی، سیدابوالقاسم، البيان فی تفسیر القرآن، بيروت، دار الزهراء، ۱۴۰۱ ق.  
 ۴۹. موسوی دارابی، سیدعلی، نصوص فی علوم القرآن، مشهد، مجمع البحوث الاسلامیه، ۱۳۸۵ ش.  
 ۵۰. موسوی عاملی، سیدعبدالحسین (شرف‌الدین)، اجوبه مسائل جارالله، بی‌جا، ۱۳۷۳ ش.  
 ۵۱. مهدوی، ابوالعباس، هجاء مصاحف الامصار، تحقیق حاتم صالح الضامن، امارات متحده عربی، الشارقه، ۱۴۲۸ ق.  
 ۵۲. مهدوی راد، محمدعلی، آفاق تفسیر: مقالات و مقولاتی در تفسیر پژوهی، تهران، هستی‌نما، ۱۳۸۲ ش.  
 ۵۳. مؤذب، سیدرضا، نزول قرآن و رؤیای هفت حرف، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۸ ش.  
 ۵۴. یعقوبی، احمد بن اسحاق، تاریخ یعقوبی، به كوشش خلیل المنصور، قم، دار الزهراء، ۱۳۸۷ ش.  
 55. Burton, John, *The Collection of the Quran*, Cambridge University Press, 1977.

